

دیدگاه شیخ طوسی در مورد قرائات قرآن*

محمد سلطانی رنانی**

چکیده

قاریان قرآن کریم در خوانش برخی از واژه‌های قرآن اختلاف داشته‌اند. پژوهشگران حوزه قرآن و تفسیر همواره در برابر پدیده اختلاف قرائت دیدگاه خویش را آشکار ساخته‌اند. شیخ طوسی در مقام بزرگ مفسر و فقیه شیعی قرن پنجم در جای‌جای تفسیر خویش، التبیان، قرائت قاریان را حکایت کرده و حجت هر یک از قرائات را بیان کرده است. هرچند شیخ طوسی قرائت قرآن به قرائت‌های متداول را، روا می‌داند و اصل گوناگونی خوانش را در قرآن کریم از اصحاب پیامبر اکرم (ص)، قاریان هفت‌گانه و دیگر قاریان می‌پذیرد، ولی پرسش آن است که وی در وجه اعتبار قرائت محکمی از قاریان چه نظری دارد و چه قواعدی را برای تشخیص قرائت معتبر و روا از نامعتبر و ناروا به کار می‌بندد؟ بر اساس جست‌وجوی فراگیر در تفسیر التبیان شیخ طوسی و بررسی سخنان وی در حکایت اختلاف قرائات و داوری درباره آنها، چنین به دست می‌آید که شیخ طوسی بر پایه چهار ملاک و قاعده، قرائت معتبر را از نامعتبر می‌شناساند؛ قرائت مخالف اصول و قواعد مسلم و قطعی زبان عربی در حوزه لغت، صرف و نحو، قرائت شاذ و نارایج، قرائت مورد نهی معصوم و قرائت مخالف خط مصحف مرسوم نامعتبر است و تلاوت قرآن به چنین گونه قرائت‌هایی ناروا است.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائات، اختلاف قرائات، شیخ طوسی، قرائت معتبر، قرائت راجح.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۳/۱۵.

** . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (Tahqiqmsr600@gmail.com).

مقدمه

در این بخش، نخست، مسأله مورد پژوهش و پیشینه آن بیان می‌شود، پس از آن، دو مفهوم محوری؛ قرائت و اختلاف قرائت تعریف می‌گردد و به اختصار شخصیت شیخ طوسی و جایگاه وی در حوزه علوم قرآن تبیین می‌شود.

۱. مسأله پژوهش

این پژوهش در پی آن است که ملاک‌های قرائت معتبر و راجح را نزد مفسر، فقیه و متکلم بزرگ شیعه، شیخ طوسی، آشکار سازد. بر این اساس، به پرسش‌های ذیل پاسخگو است: قرائت‌های هفت‌گانه، به ویژه قرائت عاصم به روایت حفص، نزد شیخ طوسی چه جایگاهی دارند؟ شیخ طوسی برای قرائت معتبر چه ویژگی‌هایی در نظر دارد؟ و قرائت راجح در دیدگاه شیخ طوسی چه ویژگی‌هایی را داراست؟

این پژوهش از آنجا که دیدگاه یکی از بزرگ‌ترین و متقدم‌ترین مفسران شیعه را در باب اختلاف قرائت، قرائت معتبر و مختار مورد بررسی قرار می‌دهد، ممتاز و برجسته است. پژوهش حاضر بر پایه جست‌وجوی فراگیر در آثار شیخ طوسی، به ویژه تفسیر التبیان و تحلیل و بررسی سخنان شیخ در باب اختلاف قرائت انجام گرفته است.

۲. پیشینه

کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات بسیاری در حوزه اختلاف قرائت، بازشناسی قرائت معتبر و راجح و ویژگی‌های آن، و همچنین درباره شیخ طوسی، جایگاه وی در تفسیر و علوم قرآنی و تفسیر التبیان تدوین و منتشر شده است. این آثار را می‌توان پیشینه عام پژوهش حاضر دانست. پیشینه خاص این پژوهش، آثاری است که به ویژه درباره وجوه اعتبار قرائت نزد مفسران و فقیهان و به ویژه دیدگاه شیخ طوسی در باب قرائت تدوین شده است. برخی از این آثار از این قرارند:

۱. مقاله «روش تفسیری شریف لاهیجی در بهره‌گیری از اختلاف قرائات» در مجله پژوهش دینی، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۸، اثر امیر توحیدی. هر چند این مقاله بیشتر به تأثیر قرائت در تفسیر پرداخته، ولی از آن جهت که دیدگاه مفسری شیعی درباره اختلاف قرائت را مورد نظر قرار داده، قابل توجه است.

۲. مقاله «طبقه‌بندی و تحلیل آراء فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات» در مجله کتاب قیم، ش ۱۷، پاییز ۱۳۹۶، اثر آقایان صافی اصفهانی و ستوده‌نیا. در این مقاله به ویژه دیدگاه فقه‌های شیعه به مسأله اختلاف قرائت و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی پرداخته است.

۳. مقاله «طبری و اختلاف قرائت در آیات الاحکام» در نشریه رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، ش ۹۷، پاییز ۱۳۹۵، اثر روح‌الله نجفی. این مقاله دیدگاه ابن جریر طبری را درباره اختلاف قرائت به ویژه در آیات الاحکام مورد بررسی قرار می‌دهد و به مناسبت برخی از ملاک‌های اعتبار یا رجحان قرائت را نزد طبری متذکر می‌شود.

۴. مقاله «کارکرد قرائت اُبی بن کعب در ترجیح میان قرائت‌های هفتگانه» در نشریه رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، ش ۹۴، بهار ۱۳۹۴، اثر روح‌الله نجفی. این مقاله موافقت با قرائت و مصحف صحابی را به عنوان یکی از ملاک‌های ترجیح قرائت مورد بررسی قرار داده است.

۵. مقاله «بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت‌های تفسیری مجمع البیان» در مجله مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، ش ۱، پاییز ۱۳۹۲، اثر مهدی اکبرنژاد و همکاران.

۶. مقاله «روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در تفسیر المیزان» در مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲۷، بهار ۱۳۹۴. اثر آقایان دیمه‌کار و ایروانی. این دو مقاله تأثیر اختلاف قرائات را در دو تفسیر مجمع البیان و المیزان مورد بررسی قرار داده‌اند.

۷. مقاله «بررسی ترجیح قرائات در تفسیر مجمع البیان» در نشریه مطالعات قرائت قرآن، ش ۸، بهار ۱۳۹۶، اثر آقای مهدوی‌راد و خانم حاجی‌اکبری. این مقاله دیدگاه مرحوم طبرسی را در اختیار و ترجیح قرائت در میان قاریان هفت‌گانه بررسی کرده است.

۸. مقاله «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن، نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان»، در مجله علوم حدیث، ش ۴۰، سال ۱۱، تابستان ۱۳۸۵. اثر آقای مرتضی کریمی‌نیا. این اثر به ویژه دیدگاه شیخ طوسی درباره آن دسته روایات شیعی را تبیین می‌کند که در میان اختلاف قرائت و تحریف قرآن قابل طرح است.

۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «شیخ طوسی و روش او در تفسیر التبیان»، اثر الیاس کلانتری به راهنمایی دکتر سیدمرتضی آیه‌الله‌زاده شیرازی. دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

۱۰. کتاب «طوسی پژوهی، مجموعه مقالات در بررسی آراء احوال و آثار شیخ طوسی» به کوشش مهدی کمپانی زارع، خانه کتاب، تهران، ۱۳۹۲ ش. این کتاب ۳۵ مقاله را دربردارد، مقاله آقایان کریمی‌نیا و سالاری نیز در این کتاب درج شده است. برخی از مقالات مندرج در این کتاب که مربوط به حوزه تفسیر و علوم قرآن است، به طور ضمنی به مسأله اختلاف قرائت از دیدگاه شیخ پرداخته‌اند.

از آثار فوق، نزدیک‌ترین اثر به پژوهش حاضر، مقاله آقای دکتر مهدوی‌راد و خانم حاجی اکبری است که بیشتر به مسأله ترجیح قرائت قاریان دیگر بر قرائت حفص پرداخته است. با مراجعه به آثار فوق دریافت می‌شود که دیدگاه شیخ طوسی در اعتبار و ترجیح قرائت به تفصیل مورد بررسی قرار نگرفته است و پژوهش حاضر با جست‌وجویی فراگیر در پی تحقیق همین موضوع برآمده است.

۳. قرائت و اختلاف قرائات

قرائت در اصطلاح به چگونگی خوانش قرآن کریم اطلاق می‌شود که شامل تلفظ حروف، حرکات و صفات حروف است. و دانشی که درباره چگونگی خواندن قرآن از نظر حروف، حرکات و صفات حروف سخن می‌گوید را تجوید گویند و دانشی که اختلاف قاریان قرآن را گزارش می‌دهد و دلیل آنان را بر قرائت خویش بررسی می‌نماید و قرائت معتبر و راجح را باز می‌شناسد، علم قرائت نام دارد. بر این اساس، می‌توان گفت علم قرائت به پنج گونه اختلاف در خوانش قرآن کریم می‌پردازد:

۱. اختلاف قاریان درباره تلفظ حروف در آیات قرآن، به عنوان نمونه، در آیه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ (تکویر/۲۴)، برخی قاریان «ضنین» و برخی دیگر «ظنین» تلفظ کرده‌اند (ر.ک: ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۱/۶۷۳؛ ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲/۳۹۸).

۲. اختلاف قاریان درباره تلفظ حرکات حروف در آیات قرآن، به عنوان نمونه در آیه ۳۷ سوره بقره، بیشتر قاریان ﴿فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾ خوانده‌اند و برخی ﴿فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾ قرائت کرده‌اند، بنابراین اعراب دو واژه آدم و کلمات مورد اختلاف است (ر.ک: ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۱/۱۵۴؛ ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲/۲۱۱).

۳. اختلاف قاریان درباره صفات حروف در آیات قرآن، به عنوان نمونه در آیه ﴿دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ﴾ (آل عمران/۳۷) بیشتر قاریان «زکریا» را با الف کشیده (مَدَّ) و برخی با الف کوتاه (قَصَرَ) خوانده‌اند (ر.ک. ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲/۲۳۹؛ القاضی، البدور الزاهرة، بی‌تا: ۱/۶۲).

۴. در برخی موارد در تقدیم و تأخیر واژه‌ای در آیه‌ای از قرآن کریم اختلاف شده است؛ چنانکه در آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» (ق/ ۵۰) حکایت شده که برخی آن را «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» خوانده‌اند (قرطبی، الابانه، ۱۳۷۹: ۷۷/۱؛ باقلانی، الانتصار للقرآن، ۱۴۲۲: ۱/۳۸۶).

۵. در برخی موارد در کاستی یا فزونی واژه‌ای در آیه‌ای از قرآن کریم اختلاف شده است؛ چنانکه آیه «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه/ ۶) را برخی «فَإِنَّ اللَّهَ الْغَنِيَّ الْحَمِيدُ» خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۶۲۷/۱؛ قرطبی، الابانه، ۱۳۷۹: ۷۸/۱). شیخ طوسی نیز گونه‌های اختلاف قرائات را در مقدمه تفسیر خویش بیان می‌کند (ر.ک: طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۸/۱).

اختلاف قرائت قرآن از زمان پیامبر اکرم ﷺ و به سبب اختلاف لهجه اعراب مسلمان آغاز شد و در سه قرن نخستین اسلام و در پی خط نوشتاری مصحف و برخی اندیشه‌های کلامی یا رقابت‌های اجتماعی - سیاسی گسترش پیدا کرد. اختلاف قرائت، امری است که هر مفسر قرآن کریم با آن روبرو است، قرائت‌های گوناگون گاه در معنای آیه نیز تاثیرگذار است، بلکه برخی از مفسران در تعریف تفسیر قرآن، علم قرائت را نخستین پایه و پیش شرط تفسیر دانسته‌اند (ابوحنیان، البحر المحیط، ۱۴۱۲: ۲۶/۱؛ ابن عاشور، التحریر والتنویر، ۱۹۸۴: ۵۳/۱). از این رو حکایت اختلاف قرائات، بیان سبب و حجت قرائت‌ها و ترجیح یکی از قرائت‌ها، یکی از بخش‌های کتاب‌های تفسیری به شمار می‌آید و همواره مفسران در مکاتب و مذاهب مختلف به بیان این بخش همت گمارده‌اند.

ابن مجاهد (أحمد بن موسی تمیمی، م. ۳۲۴ ق.)، بزرگ‌عالم عرصه قرائات هفت نفر از قاریان قرآن را برگزید و این گزینش مورد توجه پژوهشگران عرصه قرآن قرار گرفت، این هفت قاری عبارتند از:

۱. عبدالله بن عامر دمشقی (م. ۱۱۸ ق.) به روایت هشام بن عمار (م. ۲۴۵ ق.) و عبدالله بن ذکوان (م. ۲۴۲ ق.).
۲. عبدالله بن کثیر مکی (م. ۱۲۰ ق.) به روایت محمد بن عبدالرحمن (معروف به قنبل، م. ۲۹۱ ق.) و احمد بن محمد بزی (م. ۲۵۰ ق.).
۳. عاصم بن ابی النجود (م. ۱۲۸ ق.) به روایت ابوبکر شعبه بن عیاش (م. ۱۹۳ ق.) و حفص بن سلیمان (م. ۱۸۰ ق.).

۴. ابو عمرو بصری (زبان بن علاء، م. ۱۵۴ق.) به روایت حفص بن عمر دوری (م. ۲۴۵ق.) و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی (م. ۲۶۱ق.).
۵. حمزه بن حبيب کوفی (م. ۱۵۶ق.) به روایت خلف بن هشام (م. ۲۲۹ق.) و ابو عیسیٰ خلاد بن خالد شیبانی (م. ۲۲۰ق.).
۶. نافع بن عبدالله مدنی (م. ۱۶۹ق.) به روایت ابو موسی عیسی بن مینا (معروف به قالون، م. ۲۲۰ق.) و عثمان بن سعید مصری (معروف به وُزْش، م. ۱۹۷ق.).
۷. علی بن حمزه کسائی (م. ۱۸۹ق.). لیث بن خالد مروزی (م. ۲۴۰ق.) و حفص بن عمر دوری (م. ۲۴۶ق.).

- پس از این گزینش، سه قاری دیگر نیز افزودند و قاریان ده‌گانه را چنین ترتیب دادند:
۸. ابوجعفر یزید بن قعقاع مخزومی، به عنوان قاری مدینه (م. ۱۳۰ق.).
۹. یعقوب بن اسحاق حضرمی، به عنوان قاری بصره (م. ۲۰۵ق.).
۱۰. خلف بن هشام، راوی حمزه به عنوان قاری بغداد.
- و چهار قاری دیگر نیز بر این شمار اضافه نمودند، تا قاریان به چهارده تن برسند:
۱۱. حسن بن یسار بصری (م. ۱۱۰ق.).
۱۲. محمد بن عبد الرحمان، (معروف به ابن محیصن، قاری مکه (م. ۱۲۳ق.).
۱۳. سلیمان بن مهران اسدی، (معروف به اعمش، قاری کوفه (م. ۱۴۸ق.).
۱۴. یحیی بن مبارک (م. ۲۰۲ق.).
- برای آشنایی بیشتر با جایگاه علمی قاریان چهارده‌گانه می‌توانید به کتاب «إتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربعة عشر» تألیف أحمد بن محمد دمیاطی مراجعه نمایید.

۴. شیخ طوسی و اختلاف قرائت

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، پس از شیخ مفید و سید مرتضی، سومین زعیم شیعه است که در آغاز دوره غیبت کبری، از زمان درگذشت سید مرتضی در ربیع الاول ۴۳۶ق. تا آخر حیات خویش، محرم ۴۶۰ق.، مرجع و ملجأ شیعیان امامی قرار گرفت. آثار وی در همه عرصه‌های علوم اسلامی؛ فقه (المبسوط و الخلاف)، اصول فقه (العدة)؛ کلام (الاقتصاد)، و به ویژه تفسیر قرآن (التبیان)، همواره سرآمد و نامدار است (برای آشنایی بیشتر با شیخ طوسی و آثار وی، ر.ک: سلطانی، مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم، ۱۳۹۴: ۲۲-۱۶).

شیخ طوسی از دو موضع نسبت به گونه‌گونی قرائات نظر خویش را آشکار می‌کند. وی در کسوت یک فقیه شیعی باید مشخص کند که قرائت قرآن، در نماز و جز آن، به کدام قرائت یا قرائت‌ها رواست. این مسئله‌ای است که به ویژه در علم قرائت قرآن مطرح است و به خوانش آیات قرآن مربوط خواهد بود و البته نتایج آن در فقه نیز جریان پیدا می‌کند.

در جایگاه دوم، شیخ طوسی به عنوان یک مفسر عالی‌مقام شیعه کدام قرائت‌ها را برمی‌گزیند و آیه را بر اساس آن تفسیر می‌کند. مسئله دوم به ترجیح یکی از قرائت‌ها به عنوان «قرآن نازل» و تفسیر آن و استدلال بدان می‌پردازد. این مسئله در حوزه میان‌رشته‌ای قرائت، کلام و تفسیر طرح و بررسی می‌شود (برای آشنایی بیشتر با دیدگاه شیخ طوسی نسبت به قرائات قرآنی، ر.ک: همان، ۱۳۲-۱۲۳).

این نوشتار به طور مشخص به مسأله نخست می‌پردازد و دیدگاه شیخ طوسی درباره قرائت معتبر و شرایط آن را بیان می‌کند. این پژوهش بر پایه گردآوری و بررسی سخن شیخ طوسی ذیل آیات دارای اختلاف قرائت و دسته‌بندی آنان شکل گرفته است و نتیجه آن دستیابی به اصول و قواعدی است که شیخ طوسی، در مقام بزرگ مفسر و فقیه شیعی، برای قرائت معتبر قرآنی برمی‌شمرد. با توجه به تقدّم زمانی شیخ طوسی و جایگاه علمی وی، دیدگاه وی بس تاثیرگذار و مهم خواهد بود. شیخ طوسی در نخستین گام اختلاف قرائت و یگانگی قرآن کریم را به منزله مسئله‌ای کلامی طرح می‌کند. وی بر آن است که قرآن یگانه است، همان گونه بر یک پیامبر نازل شده است. دلیل شیخ بر یگانگی قرآن کریم، نخست اتفاق و اجماع شیعیان و دوم اخبار منقول در این باب است، وی در مقدمه التبیان می‌نگارد: آنچه در مذهب شیعه شناخته (پذیرفته) شده و روایات و اخبار حکایت‌شده، چنین است که قرآن به لفظ واحد بر پیامبر واحد نازل شده است. از این رو هر چند شیخ طوسی آیات قرآن را بنابر چند قرائت تفسیر می‌کند و وجوه مختلف معنایی را بنابر قرائات مختلف تبیین می‌کند، ولی در علوم پسینی همچون کلام، فقه، اخلاق و... به قرائت‌های مختلف استناد و استدلال نمی‌نماید.

در گام دوم شیخ طوسی چندگونگی قرائت را در مرحله تلاوت می‌پذیرد و قرائت‌های مختلف را به منزله حکایت‌ها و نقل‌های متن قرآن می‌پذیرد. وی از سویی این امر را نیز نتیجه اجماع و اتفاق عالمان شیعه می‌داند و می‌نویسد: عالمان شیعه بر آن اتفاق دارند که قرائت قرآن بنابر آنچه بین قاریان متداول است، رواست و هر کس اختیار دارد که به هر قرائتی خواست، بخواند. و علمای شیعه برتری دادن یکی از قرائت‌ها را به طور مشخص، نمی‌پسندند؛ بلکه هر قرائتی را که قاریان روا دارند، روا دانند.

گذشته از اجماع شیعه، شیخ طوسی پذیرش قرائت‌های مختلف را پذیرفته‌ترین معنای حدیث نبوی معروف «أُنْزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْزَفٍ» می‌شمرد. وی هرچند این حدیث را به اهل سنت (عاقه) نسبت می‌دهد و آن را خبر واحدی می‌شمرد که نمی‌تواند مبنای عمل قرار گیرد، شایسته‌ترین وجه در معنای حدیث را همانا جواز تلاوت قرآن کریم به لهجه‌ها و قرائت‌های گونه‌گون می‌داند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱/۱۹).

شیخ طوسی قرائت قرآن را به منزله روایت متن آن می‌داند، از این رو قرائت قرآن خارج از آنچه میان قاریان متداول است را معتبر نمی‌داند. وی می‌نویسد: روا نیست که قاری قرآن از آنچه قاریان خوانده‌اند، فراتر رود؛ زیرا قرائت، سنت (جزیی از شریعت) است پس روا نیست که قرآن بر هر آنچه که در زبان عربی رواست، قرائت شود مگر آن گاه که روایتی (از قاریان) نیز بنابر آن باشد (همان، ۲۰/۶).

این اظهار نظر کلی شیخ طوسی درباره اختلاف قرآن کریم است؛ قرائت قاریان را به عنوان حکایت‌ها و سنت‌های شفاهی در متن قرآن می‌پذیرد و تلاوت قرآن را بنابر این قرائت‌ها روا می‌داند. بر این اساس، وی پیش از تفسیر هر آیه، در بخشی با عنوان «القرائت»، قرائت قاریان مختلف را نقل می‌کند. شیخ طوسی از قاریان هفت‌گانه بسیار نقل قرائت می‌کند و در این نقل‌ها به راوی قرائت نیز توجه دارد، چنانکه در قرائت واژه «هؤلاء»، روایت ورش (عثمان بن سعید مصری، م. ۱۹۷ق.) از نافع و روایت قُنبُل (محمد بن عبد الرحمن، م. ۲۹۱ق.) از ابن کثیر را نقل می‌کند (همان، ۱۳۹/۱).

گذشته از قاریان هفت‌گانه، شیخ طوسی از دیگر قاریان ده و چهارده‌گانه نیز نقل قرائت می‌کند. به عنوان نمونه از یزید بن قعقاع، محمد بن محیصن، اعمش و یعقوب حضرمی قرائت حکایت می‌کند (همان، ۲۹۵/۱، ۴۳۳/۴ و ۴۲۹/۷).

شیخ طوسی در نقل قرائت‌ها به تقسیم‌بندی‌ها و قاریان متأخر بسنده نمی‌کند، بلکه از صحابه پیامبر اکرم ﷺ همچون ابی بن کعب (م. ۳۰ق.)؛ عبدالله بن مسعود (م. ۳۲ق.)؛ عبدالله بن عباس (م. ۸۶ق.)؛ تابعان همچون یحیی بن وثاب (م. ۱۰۳ق.) و عاصم جحدری (م. ۱۲۸ق.) نیز نقل قرائت می‌کند (ر.ک: همان، ۱۴۰۵: ۱/۳۶ و ۱۳۹ و ۳۸۷، ۳/۴۲۳ و ۹/۳۳۴). شیخ طوسی در موارد انگشت‌شماری در کتاب‌های فقهی خویش به قرائت غیر رایج، همچون قرائت عبدالله بن مسعود، اشاره می‌کند، ولی بدان استناد ننموده است (ر.ک: طوسی، المبسوط، ۱۳۸۷: ۴/۶۸ و ۳۳/۸).

۵. شیخ طوسی و قرائت عاصم

قرائت عاصم به روایت حفص در صدر قرائات جای دارد و از دیرباز مورد توجه عالمان قرائت، مفسران و عموم مسلمانان قرار گرفته است. شیخ طوسی در موارد اختلاف قرائت، همواره قرائت عاصم به هر یک از دو روایت ابوبکر و حفص را حکایت می‌کند. وی گاه گذشته از حکایت اختلاف وجوه هر یک از قرائات را بیان می‌کند، و البته در این جهت قرائت عاصم را بر دیگر قرائت‌ها امتیاز نمی‌دهد. به سه نمونه ذیل توجه کنید:

۱. شیخ طوسی در قرائت واژه «يَضَاعِفُهُ» در آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرْصًا حَسَنًا فَيَضَاعِفُهُ لَهُ» (بقره/ ۲۴۵) اختلاف قاریان هفت‌گانه را چنین گزارش می‌دهد: نافع، ابوعمر، حمزه و کسائی «يَضَاعِفُهُ»، عاصم «يَضَاعِفُهُ»، ابن کثیر «يَضَعِفُهُ»، و ابن عامر «يَضَعِفُهُ» قرائت کرده‌اند. پس از این گزارش، شیخ طوسی وجه (حجّت) هر یک از قاریان را بیان می‌کند. به بیان وی، قرائت به رفع «يَضَاعِفُهُ، يَضَعِفُهُ» بر اساس آن است که عطف بر «يَفْرِضُ» باشد و در این صورت فاء عطف دلالت بر جزاء نیز خواهد داشت. قرائت نصب «يَضَاعِفُهُ، يَضَعِفُهُ» بر پایه آن است که فاء جواب استفهام قرار گیرد. قرائت با الف «يَضَاعِفُهُ، يَضَعِفُهُ» در زبان عربی بیشتر کاربرد دارد. و قرائت بدون الف و مشدّد «يَضَعِفُهُ، يَضَعِفُهُ» بدین جهت است که «يَضَاعِفُ» بر فزونی محدود دلالت دارد، در حالی که «يَضَعِفُ» بر فزونی نامحدود دلالت دارد و این آیه در مقام بیان پاداش عمل خیر است و خداوند به کردار نیک نامحدود پاداش می‌دهد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۲/ ۵-۲۸۴).

در این نمونه، شیخ طوسی بدون آنکه قرائت عاصم را ترجیح دهد، برای هر یک از قرائات وجهی از امتیاز را برمی‌شمرد.

۲. شیخ طوسی در آیه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ» (بقره/ ۲۸۲) چنین گزارش می‌دهد که عاصم به نصب «تِجَارَةً حَاضِرَةً» و دیگر قاریان هفت‌گانه به رفع «تِجَارَةً حَاضِرَةً» قرائت کرده‌اند. بنابر قرائت رفع، تحلیل نحوی چنین خواهد بود که «تَكُونُ» تامّ باشد و «تِجَارَةً» فاعل آن باشد، یا آنکه «تَكُونُ» ناقص باشد و «تِجَارَةً» اسم و «تُدِيرُونَهَا» خبر آن باشد. و بنابر قرائت نصب «تِجَارَةً حَاضِرَةً»، «تَكُونُ» ناقص و اسم آن محذوف و «تِجَارَةً» خبر آن است (همان، ۳۵۳/ ۲).

در این نمونه، شیخ طوسی بدون آنکه قرائت عاصم را ترجیح دهد، اعراب واژگان آیه را بنابر هر یک از قرائات بیان می‌کند.

۳. بنابر گزارش شیخ طوسی در آیه ﴿وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف/ ۵۹)، عاصم به روایت حفص «لِمَهْلِكِهِمْ»، و به روایت ابوبکر «لِمَهْلِكِهِمْ» قرائت کرده است. و دیگر قاریان، «لِمَهْلِكِهِمْ» قرائت نموده‌اند. مَهْلَكْ مصدر ثلاثی مجرد (هَلَك یَهْلِك)، مَهْلِك اسم زمان از ثلاثی مجرد، و مُهْلَك اسم مفعول از باب افعال (أَهْلَكْتُ یُهْلِكُ) است (همان، ۶۳/۷).

در این نمونه، شیخ طوسی بدون آنکه روایت حفص از عاصم را ترجیح دهد، وجه صرفی هر یک از قرائات را بیان می‌کند.

وجه اعتبار و ترجیحی که شیخ طوسی درباره قرائتی بر دیگر قرائات بیان می‌کند، خواهد آمد، ولی آنچه که در پی مطالعه و بررسی تفسیر التبیان به دست می‌آید آن است که در هیچ موردی نقل حفص از عاصم به عنوان مزیت و امتیاز قرائت شمرده نشده؛ بلکه در موارد پرشماری شیخ طوسی قرائتی به جز قرائت حفص از عاصم را ترجیح داده است، به این سه نمونه بنگرید:

۱. در آیه ﴿وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال/ ۱۹)، نافع، ابن عامر و حفص از عاصم به فتحه الف (أَنَّ) و دیگر قاریان به کسره الف (إِنَّ) خوانده‌اند. شیخ طوسی وجه هر دو قرائت را بیان می‌کند ولی قرائت به کسره را ترجیح می‌دهد (همان، ۹۰/۵).

۲. در آیه ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ (کهف/ ۹۴) عاصم دو واژه «يَأْجُوجَ، مَأْجُوجَ» را با همزه و دیگر قاریان با الف «يَاْجُوجَ، مَاْجُوجَ» قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی قرائت به الف را برمی‌گزیند (همان، ۸۹/۷).

۳. شیخ طوسی اختلاف قرائت در آیه ﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ﴾ (محمد/ ۴) را چنین گزارش می‌دهد: قاریان بصره و عاصم به روایت حفص «قُتِلُوا»، و دیگر قاریان «قَاتِلُوا» خوانده‌اند و در قرائات شاذ «قَتَّلُوا» نیز حکایت شده است. شیخ طوسی قرائت «قَاتِلُوا» را بر پایه شواهدی ترجیح می‌دهد (همان، ۲۸۰/۹).

قرائت معتبر نزد شیخ طوسی

هر چند شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خویش، به اجمال اختلاف قاریان در حکایت متن قرآن کریم را پذیرفته است، در جای جای تفسیر خویش ویژگی‌های قرائت معتبر را برمی‌شمرد. با بررسی تفسیر گران سنگ التبیان می‌توان به قواعد و اصولی دست یافت که شیخ طوسی در داوری میان قرائت‌های نقل شده، برخی را معتبر و برخی دیگر را نامعتبر می‌داند، و یا قرائتی را بر دیگری ترجیح می‌دهد.

۱. قرائت سازگار با قواعد زبان عربی

شیخ طوسی در موارد اختلاف قرائت تنها آن قرائتی را می‌پذیرد که با قواعد و اصول قطعی و مسلم لغت، صرف و نحو عربی سازگار باشد، و قرائتی که با این قواعد مخالفت کند؛ مردود می‌شمرد.

۱. در آیه «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» (کهف/ ۹۴) عاصم دو واژه «يَأْجُوجَ، مَأْجُوجَ» را با همزه و دیگر قاریان با الف «يَا جُوجَ، مَا جُوجَ» قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی بر آن است که «يَأْجُوجَ، مَأْجُوجَ» غیر عربی (عجمی) است، و همزه در زبان‌های غیر عربی یافت نمی‌شود، بنابراین قرائت به همزه «يَأْجُوجَ، مَأْجُوجَ» را نمی‌پذیرد (همان، ۸۹/۷).

در این نمونه، شیخ طوسی بر پایه مسائل حوزه لغت، قرائت حفص از عاصم را مردود می‌داند.
۲. در آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره/ ۱۱۹) عموم قاریان «لَا تُسْئَلُ» (لا نفی و فعل مجهول مفرد مخاطب و مرفوع) قرائت کرده‌اند، و از قاریان هفت‌گانه تنها نافع «لَا تُسْئَلُ» (لا نهی و فعل معلوم مفرد مخاطب و مجزوم) قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰، ۱/ ۱۶۹). قرائت نافع از امام باقر (علیه السلام) و ابن عباس نیز نقل شده است (فراء، معانی القرآن، ۱۴۰۰: ۱/ ۷۵).

شیخ طوسی در این آیه، دو قرائت اُبی بن کعب و عبدالله بن مسعود را نقل می‌کند؛ اُبی «و مَأْثُوسٌ»، و ابن مسعود «وَلَنْ تُسْئَلَ» قرائت کرده است. شیخ طوسی جمله «لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» را حال می‌داند و آیه بدین معنا خواهد بود: ما تو را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم، در آن حال که از دوزخیان از تو پرسش نمی‌شود.

حروف و ادات عربی در کاربرد و جایگاه همسان نیستند، «لا»، «ما»، و «لَنْ» هر چند هر سه بر نفی دلالت دارند، ولی جمله حالیه با «لَنْ» و «ما» آغاز نمی‌شود، بر این اساس شیخ طوسی قرائت اُبی و ابن مسعود را نادرست می‌شمرد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱/ ۴۳۵).

۳. شیخ طوسی در آیه «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ» (فُصِّلَتْ/ ۱۷) قرائت حسن بصری (م. ۱۱۰ق.) را نقل می‌کند که «ثَمُود» را منصوب خوانده است. (همان، ۱۱۲/۹). این قرائت از ابن اسحاق نیز نقل شده است. (طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۲۱/ ۴۴۹). بنابراین قرائت، «ثَمُود» مفعول فعل محذوف خواهد بود و آیه پیش از حذف چنین بوده است: «وَأَمَّا هَدَيْنَا ثَمُودَ فَهَدَيْنَاهُمْ». شیخ طوسی قرائت حسن را نمی‌پذیرد، بدین علت که واژه «أَمَّا» همواره در آغاز جمله اسمیه وارد می‌شود و بر فعل داخل نمی‌گردد. در این دو نمونه، شیخ طوسی قرائت‌هایی که با ویژگی‌های لغوی ادات و حروف ناسازگار بوده‌اند، مردود شمرده است.

۴. شیخ طوسی در آیه ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾ (بقره/ ۱۲۷) از عبدالله بن کثیر و ابوعمرو قرائت «أَرِنَا مَنَاسِكَنَا» را نقل می‌کند. این قرائت از یعقوب حضرمی نیز نقل شده است (ابن مهران، المبسوط، ۱۹۸۱: ۱۳۶). با اینکه این قرائت از دو تن قاریان هفت‌گانه حکایت شده است، ولی شیخ طوسی آن را مخالف قواعد علم صرف می‌شمرد و آن را نمی‌پذیرد. «أَرِ» فعل امر مفرد مخاطب مذکر از «تُرى» (تُرى) است. در جریان اعلال، عین الفعل و لام الفعل حذف می‌شود و کسره عین الفعل (همزه) باقی می‌ماند و به فاء الفعل (راء) انتقال می‌یابد. حذف کسره راء گذشته از آنکه دلیلی ندارد، به تعبیر شیخ طوسی اجحاف به کلمه (کم گذاشتن از واژه) است، زیرا کسره نماینده «همزه» محذوف است و با حذف آن دیگر نماینده‌ای برای آن باقی نمی‌ماند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱/ ۴۶۵).

۵. شیخ طوسی در آیه ﴿نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء/ ۸۸) روایت ابوبکر بن عیاش (م. ۱۹۳ق.) از عاصم را نقل می‌کند: «نُجِّي». این قرائت به ابن عامر نیز نسبت داده شده است (ازهری، معانی القرائات، ۱۴۱۲: ۱۷۰/۲). بنابر این قرائت فاء الفعل (نون) تبدیل به عین الفعل (جیم) شده و در آن ادغام شده است. شیخ طوسی این قرائت را نمی‌پذیرد، زیرا در ساخت‌های فعلی هیچ‌گاه نون به جیم تبدیل نمی‌شود و در آن ادغام نمی‌گردد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱۴۰۴/۶).
طبری نیز قرائت «نُجِّي» را به دلیل مخالفت با اجماع قاریان نامعتبر می‌شمرد (طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۱۸/ ۴۲۰).

۶. شیخ طوسی در آیه ﴿وَلِيَحْكُمُ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ﴾ (مائده/ ۴۷) قرائت حسن بصری را نقل می‌کند که «أَهْلُ الْإِنْجِيلِ» خوانده است. شیخ طوسی این قرائت را مردود می‌شمرد، بدان جهت که در زبان عربی هیچ واژه‌ای بر وزن «أَفْعِل» شناخته نمی‌شود (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۳/ ۵۴۰).
در این سه نمونه، شیخ طوسی قرائت‌هایی را به سبب مخالفت با قواعد صرف عربی مردود شمرده است.

۷. شیخ طوسی در آیه ﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ﴾ (ابراهیم/ ۴۷)، قرائت «مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلِهِ» را نقل می‌کند. بنابر این قرائت، «وَعْدَهُ» به «رُسُلِهِ» اضافه شده است، و بدین سبب «رُسُلِهِ» مجرور است. شیخ طوسی این قرائت را مردود می‌شمرد، زیرا روا نیست میان مضاف و مضاف‌الیه فاصله افتد، حال آنکه در این قرائت میان مضاف (وعد) و مضاف‌الیه (رُسُلِهِ)، ضمیر غایب فاصله افتاده است (همان، ۳۰۴/۶).

در این نمونه شیخ طوسی قرائت منقول را به سبب مخالفت با قواعد نحو عربی مردود شمرده است.

۲. قرائت شاذ در برابر رایج

شیخ طوسی قرائت شاذ را نمی‌پذیرد. در تعریف قرائت شاذ می‌توان گفت آن قرائتی شاذ به شمار می‌آید که مورد توجه و اعتماد عموم قاریان قرار نگرفته و در برابر قرائت معروف و مشهور قرار گرفته است. شیخ طوسی به ویژه قرائت شاذ را آن قرائتی می‌داند که تنها از یک نفر حکایت شده و همراه و موافق نداشته است. شیخ طوسی قرائت شاذ را نامعتبر می‌داند، چند مورد از تصریحات وی در این زمینه را مرور می‌کنیم.

۱. شیخ طوسی در آیه نخست سوره فُصِّلَتْ از عکرمة بن عبدالله (برده آزادشده ابن عباس، م. ۱۰۷ ق.) نقل می‌کند که «فُصِّلَتْ» را «فَصَّلَتْ» خوانده است. پس از آن شیخ طوسی می‌نویسد: این قرائت شاذی است که هیچ کس بدان نخوانده است (همان، ۴۳۹/۵).

۲. آیه «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (بقره/۱۶۱)، را حسن بصری چنین قرائت کرده است: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعُونَ». بر پایه این قرائت، فعلی در تقدیر است و «الملائكة» فاعل آن است و «أَجْمَعُونَ» نیز تاکید آن خواهد بود. گویی آیه چنین بوده است: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتَلَعَنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَجْمَعُونَ» (بناء، إتحاف فضلاء البشر، ۱۴۲۷: ۱/۱۹۶). شیخ طوسی این قرائت را نقل می‌کند و از آن جهت که شاذ است و عموم قاریان «الملائكة» را مجرور خوانده‌اند، آن را مردود می‌داند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۲/۴۹).

۳. شیخ طوسی در آیه «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» (نساء/۱۴۸)، از زید بن اسلم (تابعی مدنی، م. ۱۱۹ ق.) و ضحاک بن مزاحم (تابعی کوفی، م. ۱۰۶ ق.) حکایت می‌کند که «مَنْ ظَلَمَ» قرائت کرده است. بنابر این قرائت معنای آیه چنین خواهد بود: خداوند آشکار ساختن بدی را دوست ندارد مگر درباره کسی که ستم کرده است. شیخ طوسی هر چند معانی مختلفی برای این قرائت برمی‌شمرد، ولی آن را به جهت شاذ بودن کنار می‌گذارد (همان، ۳۷۱/۳).

۴. شیخ طوسی در آیه «وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ» (سبا/۲۰)، قرائت ابوهجهاج را چنین نقل می‌کند: «وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ». نحاس (م. ۳۳۸ ق.) این قرائت را به الهجهاج نسبت می‌دهد (نحاس، معانی القرآن، ۱۴۰۹: ۵/۴۱۳). و در برخی تفاسیر این قرائت به فردی به نام ابوالهجهاج اعرابی نسبت داده شده است. به عنوان نمونه (ر.ک: ابوحیان،

البحر المحيط، ۱۴۱۲: ۵۴۰/۸). در قرائت مشهور «ابلیس» فاعل و مرفوع، و «ظَنَ» مفعول و منصوب است، ولی در قرائت ابوہجہاج عکس شده است؛ «ابلیس» مفعول و منصوب، و «ظَنَ» فاعل و مرفوع است. هر دو گونه سخن در زبان عربی رواست که گفته شود: «صَدَّقْتُ ظَنِّي وَصَدَّقَنِي ظَنِّي». با این همه، شیخ طوسی قرائت ابوہجہاج را به علت شاذ بودن مردود می‌شمرد و تلاوت قرآن بدین قرائت را ناروا می‌داند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۳۷۸/۸).

۴. شیخ طوسی در آیه «وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ» (شعراء/۱۹) قرائت عامر شعبی (تابعی کوفی، م. ۱۰۹ق.) را چنین نقل می‌کند: «وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ». هر چند این قرائت از نظر صرفی صحیح است؛ «فَعَلَهُ» از اوزان مصدر مره است و «فَعَلَهُ» به معنای هیئت و حال انجام کار است، (نحاس، معانی القرآن، ۱۴۰۹: ۶۹/۵) با این حال، شیخ طوسی این قرائت را نیز به سبب شاذ بودن مردود و تلاوت بدان را ناروا می‌شمرد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱۰/۸).

۵. همچنین شیخ طوسی در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» (بقره/۱۰۴)، از حسن بصری قرائت «راِعِنَا» (همان، ۳۸۷/۱) و در آیه «وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا» (یوسف/۳۱)، به جای «بَشَرًا»، «بُشْرَى» را حکایت نموده است (همان، ۱۲۹/۶) وی این قرائت‌ها را به سبب شذوذ نامعتبر می‌شمرد.

۶. در آیه «كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» (کهف/۵)، شیخ طوسی از برخی قاریان مکی نقل کرده است که «کَلِمَةً» را مرفوع قرائت کرده‌اند. این قرائت در لغت عرب نیز نمونه دارد؛ چنان که گفته می‌شود: «كَبُرَ قَوْلُكَ وَ كَبُرَ سَأْؤُكَ». این قرائت به حسن بصری و ابن محیصن نسبت داده شده است. (بناء، إتحاف فضلاء البشر، ۱۴۲۷: ۳۶۳/۱). بنابر قرائت نصب، «کَلِمَةً» تمیز است و فاعل کَبُرَتْ حذف شده است، گویی آیه چنین است: «كَبُرَتْ كَلِمَاتٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ كَلِمَةً». و در قرائت رفع نیازی به تقدیر گرفتن فاعل نیست. قرائت نصب در افاده تعجب قوی‌تر است. شیخ طوسی قرائت نصب را دلیل اجماع قاریان قوی می‌داند و قرائت رفع را شاذ می‌شمرد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۶/۷).

۷. قاریان در قرائت آیه «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ» (آل عمران/۱۸۰) اختلاف دارند. طبری این اختلاف را این گونه گزارش می‌دهد: برخی قاریان حجاز و عراق «تَحَسَّبَنَّ» و برخی دیگر از قاریان «يَحْسَبَنَّ» قرائت کرده‌اند (طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۴۳۸/۷).

شیخ طوسی اختلاف قرائت را چنین حکایت می‌کند: حمزه «لَا تَحْسَبَنَّ» و دیگر قاریان «لَا يَحْسَبَنَّ» قرائت کرده‌اند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۳/۶۳). سخن شیخ طوسی با گزارش ابن مجاهد تمیمی (م. ۳۲۴ ق.) و ابن مهران نیشابوری (م. ۳۸۱ ق.) موافقت دارد (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۱/۲۰؛ ابن مهران، المبسوط، ۱۹۸۱: ۱/۱۷۲). بر این اساس، به نظر می‌رسد گزارش شیخ طوسی از این اختلاف قرائت دقیق‌تر باشد. شیخ طوسی پس از نقل این اختلاف، قرائت «لَا يَحْسَبَنَّ» را قوی‌تر می‌داند؛ زیرا بیشتر قاریان چنین خوانده‌اند (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۳/۶۳).

۳. قرائت معتبر و خط مصحف

مصحفی که در زمانه خلیفه سوم و با نظارت صحابه پیامبر اکرم ﷺ گردآوری و تدوین شد و پس از آن نیز با موافقت امامان معصوم همراه شد، خط معتبر قرآن کریم به شمار می‌آید. عموم پژوهشگران حوزه قرائات نیز قرائتی که با خط مصحف ناسازگار باشد، مردود می‌شمارند. (به عنوان نمونه ر. ک: طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۴/۲۶۲، ابوشامه، ابراز المعانی، بی تا: ۲/۲۰۰).

شیخ طوسی همواره قرائتی را که موافق رسم الخط مصحف است را برمی‌گزیند و قرائت مخالف خط مصحف را نمی‌پذیرد. نمونه‌ها را بنگرید:

۱. شیخ طوسی در آیه «إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا» (بقره/ ۷۰)، قرائت أَعْمَش (سلیمان بن مهران، م. ۱۴۸ ق.) را چنین نقل می‌کند: «إِنَّ الْبَقَرَ مُتَشَابَهٌ». ولی به دلیل مخالفت این قرائت با مصحف رسمی و معروف آن را نمی‌پذیرد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱/۲۹۵).

۲. شیخ طوسی در آیه «سَلِّ بْنِ إِسْرَائِيلَ» (بقره/ ۲۱۱) سه قرائت «سَلِّ، اسْتَلِّ، اسْلُ» را نقل می‌کند، ولی تنها قرائت نخست را می‌پذیرد و دو قرائت بعدی را به سبب مخالفت با خط مصحف مردود می‌شمرد (همان، ۱۸۹/۲).

۳. شیخ طوسی در آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/ ۱۲۴) قرائت عبدالله بن مسعود را چنین نقل می‌کند: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمُونَ». هر چند این قرائت در زبان عربی مَوْجَه است، چنانکه گویند: «نِلْتُ الْمَطْلُوبَ وَ نَالَنِي الْمَطْلُوبُ»؛ با این همه، شیخ طوسی قرائت حکایت‌شده از ابن مسعود را به سبب مخالفت با خط مصحف مردود می‌داند (همان، ۴۴۸/۲).

شیخ طوسی اعتبار خط مصحف در چگونگی قرائت را از امام باقر علیه السلام نیز نقل می‌کند. وی از امام محمد بن علی علیه السلام و عروه بن زبیر نقل می‌کند که آیه «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ» (هود/ ۴۲) را چنین قرائت می‌کردند: «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ». آنان بر این باور بودند آن فرد خاطی و سرکش، فرزند نوح نبوده، بلکه فرزند همسر وی بوده است. بر این اساس، جمله چنین بوده است: «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهَا» و چون در خط مصحف «ابنه» ثبت شده، نه ابنها، پس به جهت دوری از مخالفت با خط مصحف، «ابنه» قرائت کرده‌اند (همان، ۴۸۸/۵).

نکته قابل توجه در این بخش آن است که مراد از خط مصحف، خطی است که مصاحف امّ در زمان به زمانه عثمان نوشته شده است؛ بر این اساس ویژگی‌های آن خط (نبود نقطه علائم سجاوندی و الف میانه واژه) را باید در نظر داشت، و نه خط کنونی مصحف شریف. به عنوان نمونه به واژه «خطایا» و «خطیئات» توجه کنید. به گزارش شیخ طوسی، قاریان در قرائت واژه «خطایاکم» در آیه ۵۸ سوره بقره اختلافی ندارند، ولی در واژه «خطیئاتکم» در آیه ۱۶۱ سوره اعراف اختلاف واقع شده است؛ قاریان مدینه و یعقوب «خطیئاتکم»، ابن عامر «خطیئتکم»، ابو عمرو «خطایاکم»، و دیگر قاریان «خطیئاتکم» قرائت کرده‌اند (همان، ۶/۵). و همچنین در آیه ۲۵ سوره نوح، ابو عمرو «خطایاهم» و دیگر قاریان «خطیئاتهم» قرائت کرده‌اند (همان، ۱۰/۳۵). شیخ طوسی اتفاق و اختلاف قاریان در این سه موضع را به سبب خط مصحف امّ می‌داند. این واژه در سوره بقره با دو الف پیش و پس از یاء، و در سوره‌های اعراف و نوح با یک الف (پیش از حرف تاء) نوشته شده است، بنابراین واژه نوشته شده در سوره بقره تنها به صورت «خطایاکم» خوانده می‌شود، ولی در سوره اعراف و نوح به سبب ویژگی‌های خط مصحف، وجوه دیگری نیز در قرائت جریان پیدا می‌کند (همان، ۲۶۴/۱).

خط مصحف قرینه تعیین کننده در اعتبار قرائت است، البته انگشت شمار مواردی است که خط مصاحف امّ با یکدیگر اختلاف دارند که در این صورت هر یک از دو قرائت موافق خط یکی از دو مصحف است و در این صورت داوری و ترجیح بر پایه خط مصحف ممکن نخواهد بود. شیخ طوسی یک مورد از این رویداد را گزارش می‌دهد. در آیه «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/ ۲۴)، قاریان مدینه و شام «فَإِنَّ اللَّهَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» قرائت کرده‌اند؛ زیرا در مصحف آنان واژه «هُوَ» ثبت نشده و قاریان دیگر چون در مصحف‌شان «هُوَ» آمده است، آن را قرائت می‌کنند (همان، ۵۱۸/۹).

۴-۲. نهی معصوم از قرائت

اگر قرائت ویژه‌ای بر پایه روایات معتبر مورد نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته باشد، بی‌گمان آن قرائت نامعتبر و ناروا خواهد بود.

از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمود: قرآن را به اصالت عربی آن بیاموزید و در آن از «نبر» دوری کنید (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۱۱/۸۹).

و امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: قرآن به گویش قریش فروآمد و آنان نبر نمی‌کردند (همان، ۲۶۴/۷۵).

نبر تأکید بر تلفظ یک حرف، یا به ویژه گونه‌ای تلفظ همزه است، مانند آنکه «نَبِی» را «نَبِی» تلفظ کند. خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۰ ق.) در تعریف نبر می‌نویسد: نبر در سخن، آوردن همزه است و در حدیث آمده است که مردی به پیامبر اکرم گفت: یا نَبِی الله. پیامبر به وی فرمود: در نام من نبر به کار مبر (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۸/۲۶۹).

بر اساس ادله سمعی قرائت قرآن به نبر مورد پسند پیامبر اکرم و امیرمؤمنان نبوده است، از این رو شیخ طوسی در آیه ۶۱ سوره بقره قرائت «التَّبِیُّن» را به جای «التَّبِیُّن» نمی‌پذیرد (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۱/۲۶۹).

بی‌گمان نهی یا امر وارد در روایات در باب قرائت قرآن، آن زمان اعتبار دارد که بر پایه احادیث معتبر ثابت شده باشد. بر این اساس قرائت قرآن بر پایه احادیث ضعیف و نامعتبر تغییر نخواهد کرد.

شیخ طوسی در برخی آیات قرآن کریم، قرائتی را از اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کند، این قرائت‌ها بر اساس روایاتی به ما رسیده است، در برخی از این روایات امام، قرائت مشهور و رسمی را رد می‌کند و دلیلی بر اشتباه بودن آن می‌آورد. به نمونه‌های ذیل بنگرید:

در آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ﴾ (انفال/۱)، «يَسْأَلُونَكَ الْإِنْفَالِ» نقل شده است (همان، ۶۷/۵).

در آیه ﴿جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ (توبه/۷۳)، «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ» نقل شده است (همان، ۲۵۴/۵).

در آیه ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا﴾ (توبه/۱۱۸)، «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَالَفُوا» نقل شده است (همان، ۳۱۰/۵).

در آیه ﴿وَجَعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان/ ۴۷)، «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا» نقل شده است (همان، ۵۰۴/۷).

در آیه ﴿يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ (رعد/ ۱۱)، «يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ» نقل شده است (همان، ۲۲۳/۶).
 شیخ طوسی پس از نقل این گونه روایات اظهار نظری در ردّ یا قبول آنها ننموده است. تنها در مورد آخری، (رعد/ ۱۱) قرائت نقل شده از اهل بیت را از باب تفسیر دانسته است.
 شیخ طوسی در آیه ﴿وَطَلَّحَ مَنْضُودٍ﴾ (واقعہ/ ۲۹) نقل می‌کند چون این آیه نزد امیرمومنان قرائت شد، آن حضرت به شگفتی از قاری پرسید: طَلَحَ چیست؟! این آیه چنین است: ﴿وَطَلَّحَ مَنْضُودٍ﴾، و همانند این آیه است: ﴿وَنَحْلٌ طَلَّعُهَا هَضِيمٌ﴾ (شعراء/ ۱۴۸). قاری از امام پرسید: آیا تغییرش می‌دهید؟! امام فرمود: «الْقُرْآنُ لَا يَهَاجُ الْيَوْمَ وَلَا يَحْوُلُ». هم‌اکنون، قرآن دستیازی نشود و تغییر داده نمی‌شود (همان، ۴۹۵/۹).

این حدیث را پیش از شیخ طوسی، محمد بن جریر طبری (م. ۳۱۰ ق.) با سند متصل نقل کرده است (طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۱۱۱/۲۳). هر چند شیخ طوسی در باب پذیرش یا ردّ این حدیث سخنی نگفته است، ولی سیره امامان معصوم و عالمان شیعه و البته اعتبار عقلی موافق این حدیث است و دستبرد و تغییر در واژگان، قرائت و حتی خط مصحف بی‌گمان ناروا خواهد بود و نتایج غیرقابل جبرانی به همراه خواهد داشت.

در مجموع آثار تفسیری، حدیثی و فقهی، شیخ طوسی در یک مورد به طور صریح، حدیثی از معصوم را قرینه قاطع بر تعیین یک قرائت قرآنی پذیرفته است. یکی از تاثیرگذارترین و پرچالش‌ترین اختلاف قرائت قرآن، آیه وضوء است: ﴿وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده/ ۶).

از قاریان هفت‌گانه؛ ابن‌کثیر، ابوعمر، حمزه و عاصم به نقل ابوبکر «أَرْجُلَكُمْ» (به جرّ)، و نافع، ابن‌عامر، کسایی و عاصم به نقل حفص «أَرْجُلَكُمْ» (به نصب) قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی حدیث مسندی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند. راوی حدیث، غالب بن‌هذیل از امام می‌پرسد: واژه «أَرْجُلَكُمْ» در آیه به جرّ یا نصب است؟ و امام پاسخ می‌دهد: به جرّ است. شیخ طوسی این حدیث را پذیرفته است و قرائت به جرّ را برمی‌گزیند، و البته بنابر قرائت نصب نیز مسح سر در وضوء را موجه می‌داند (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۱۷: ۷۲/۱).

قرائت راجح نزد شیخ طوسی

پس از برشمردن شرایط اعتبار قرائت از دیدگاه شیخ طوسی، به بررسی وجوه ترجیح قرائت نزد وی می‌پردازیم. شیخ طوسی در مواردی یکی از قرائت‌ها را بر پایه شواهدی بر دیگر قرائات ترجیح می‌دهد. این وجوه ترجیح را برمی‌شمريم.

۱. مناسبت با دیگر آیات قرآن

در برخی موارد شیخ طوسی قرائتی در یک آیه را به سبب مناسبت با آیه‌ای دیگر ترجیح می‌دهد. سه نمونه از این دست را بنگرید:

۱. در آیه «وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ» (آل عمران/ ۳۷) اختلاف قرائت چنین گزارش شده است که قاریان کوفه «كَفَّلَهَا» (با تشدید) و دیگر قاریان «كَفَّلَهَا» (بدون تشدید) قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی قرائت «كَفَّلَهَا» را بدان سبب که با آیه «أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ» (آل عمران/ ۴۴) متناسب‌تر است، ترجیح می‌دهد. در هر دو آیه، فعل ثلاثی مجرد است (طوسی، التبیان، ۱۴۰۵: ۲/ ۴۴۵).

۲. در آیه «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ» (یوسف/ ۷) قرائت ابن‌کثیر این چنین نقل شده است: «آیة لِلِّسَّائِلِينَ». شیخ طوسی این قرائت را به سبب همسانی با آیه «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (مؤمنون/ ۵۰) قوی می‌شمرد. در هر دو آیه، واژه آیه مفرد است و بر آن دلالت دارد که جریان یوسف و برادرانش، همانند جریان مسیح و مادرش، یک آیه (نشانه) یکپارچه به شمار می‌آید (همان، ۲/ ۴۴۵).

۳. در آیه «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةِ يَوْصِي بِهَا أَوْ دِينٍ» (نساء/ ۱۱) شیخ طوسی دو قرائت نقل کرده است: ابن‌عامر، ابن‌کثیر و عاصم به روایت ابوبکر «يُوصِي» (مجهول)، و دیگر قاریان يَوْصِي (معلوم) خوانده‌اند. شیخ طوسی قرائت به کسر (معلوم) را بدان سبب که در آغاز آیه سخن از فرد متوفی «إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ، وَرِثَتُهُ» آمده است، قوی‌تر می‌داند (همان، ۳/ ۱۲۷).

۲. موافقت با قرائت صحابه

در مواردی شیخ طوسی قرائتی در یک آیه را به سبب موافقت با قرائت منقول از یکی از صحابه ترجیح می‌دهد. مورد نظر شیخ طوسی، صحابه‌ای است که دارای مصحف مستقل بوده‌اند و به نظر می‌رسد قرائت منقول از آنان ریشه در مصحف آنان داشته باشد. سه نمونه از این دست را بنگرید:

۱. در آیه ﴿وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال/ ۱۹)، نافع، ابن عامر و حفص، «أَنَّ» (به فتح)، و دیگر قاریان «إِنَّ» (به کسر) قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی قرائت کسر را به سبب موافقت با قرائت عبدالله بن مسعود قوی‌تر می‌شمرد. قرائت منقول از ابن مسعود چنین است: «وَاللَّهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ». بنابر قرائت به کسر، واو آغازین جمله استیناف است و در قرائت ابن مسعود نیز واو استینافی است؛ از این رو قرائت به کسره با قرائت ابن مسعود موافقت دارد (همان، ۹۰/ ۵).
 ۲. در آیه ﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (مریم/ ۳۶)، ابوعمر، نافع و یعقوب «أَنَّ» (به فتح)، و دیگر قاریان «إِنَّ» (به کسر) قرائت کرده‌اند. در این آیه نیز شیخ طوسی قرائت کسر را به دلیل موافقت با قرائت أُبَی بن کعب ترجیح می‌دهد. قرائت محکی از أُبَی بدون واو است و چنانکه در نمونه پیشین گذشت، قرائت کسر با قرائت بدون واو موافقت دارد (همان، ۱۲۴/ ۷).
 ۳. در آیه ﴿وَالَّذِينَ يَمَسُّوْنَ بِالْكِتَابِ﴾ (اعراف/ ۱۷۰)، ابوبکر «يُمَسِّكُونَ» (باب افعال) و دیگر قاریان «يَمَسُّكُونَ» (باب تفعیل) قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی قرائت به تشدید (باب تفعیل) را به سبب موافقت با قرائت أُبَی بن کعب قوی‌تر می‌شمرد. أُبَی «مَسَّكُوا» قرائت کرده است و «مَسَّكُوا» و «يَمَسُّكُونَ» هر دو باب تفعیل است (همان، ۲۰/ ۵).
۳. مناسبت با وجوه بلاغی
- در مواردی شیخ طوسی قرائتی در یک آیه را به سبب مناسبت با وجوه بلاغی ترجیح می‌دهد. سه نمونه از این دست را بنگرید:
۱. در آیه ﴿إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾ (نساء/ ۱۹) دو قرائت نقل شده است: ابن‌کثیر و حفص به روایت ابوبکر «مُبِينَةٍ» و دیگر قاریان «مُبِينَةِ» خوانده‌اند. مُبِينَةُ اسم مفعول است و قرائت بدان بر آن دلالت دارد که فعل فاحشه باید آشکار شود. مُبِينَةُ اسم فاعل است و قرائت بدان بر آن دلالت دارد که فعل فاحشه خود آشکار است. شیخ طوسی قرائت به کسر (مُبِينَةِ) را ترجیح می‌دهد؛ زیرا شریعت بر آن نیست که فعل فاحشه آشکار شود (همان، ۱۴۷/ ۳).
 ۲. در آیه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَاوِيكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم/ ۲۲)، عاصم به روایت حفص «عَالَمِينَ» قرائت کرده است و بنابراین نشانه‌های برشمرده شده در آیه را ویژه عالمان قرار داده است، ولی دیگر قاریان «عَالَمِينَ»

قرائت کرده‌اند که بر اساس آن نشانه‌ها برای همه جهانیان است؛ برای همه مکلفانی که بتوانند بدان نشانه‌ها استدلال کنند و عبرت گیرند. شیخ طوسی این قرائت را برتر و پرفایده‌تر می‌شمرد (همان، ۸/ ۲۲۹).

۳. در آیه «وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه/ ۴۰) یعقوب حصرمی «كَلِمَةُ اللَّهِ» (به نصب کلمه)، و دیگر قاریان «كَلِمَةُ اللَّهِ» (به رفع) قرائت کرده‌اند. بنابر قرائت یعقوب، واو عطف واژه بر واژه است و «كَلِمَةُ اللَّهِ» بر مفعول «جَعَلَ» عطف می‌شود. ولی بنابر قرائت رفع، واو استیناف (یا عطف جمله بر جمله) است و كَلِمَةُ اللَّهِ به ابتدا مرفوع است. شیخ طوسی قرائت به رفع را برتر می‌داند؛ زیرا بر پایه قرائت نصب گویی کلمه الله برتر و والاتر نبوده و در زمانه و رویدادی برتر شده است، ولی قرائت رفع بر آن دلالت دارد که کلمه الله همواره والا و برتر است (همان، ۵/ ۲۱۵).

۴. قرائت فصیح‌تر

در مواردی شیخ طوسی قرائتی در یک آیه را به سبب فصیح‌تر بودن واژه آن قرائت ترجیح می‌دهد. سه نمونه از این دست را بنگرید:

۱. در آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ» (مانده، ۲) عموم قاریان «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ» (ثلاثی مجرد)، و یحیی بن وثاب و اعمش «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ» (باب افعال) قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی هر دو قرائت را صحیح می‌داند، ولی قرائت نخست را به سبب آنکه فصیح‌تر و شناخته‌شده‌تر است، برتر می‌شمرد (همان، ۳/ ۴۲۳).

۲. در آیه «آتَيْكُمُ مِنْهَا خَبْرًا وَجَذْوَةٌ مِنَ النَّارِ» (قصص/ ۲۹)، عاصم «جَذْوَةٌ»، حمزه و خلف بن هشام «جَذْوَه»، و دیگر قاریان «جَذْوَه» قرائت کرده‌اند. شیخ طوسی هر سه را یک واژه می‌شمرد، ولی قرائت به کسره را فصیح‌تر و پراستفاده‌تر می‌شمرد (همان، ۸/ ۱۳۵).

۳. و در آیه «لَمْ يَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ» (بقره/ ۲۸۳)، ابوعمرو و ابن‌کثیر «فَرِهَانٌ» و دیگر قاریان «فَرِهَانٌ» قرائت کرده‌اند. رهن مصدر ثلاثی مجرد، و رِهَان مصدر باب افعال است. شیخ طوسی قرائت «فَرِهَانٌ» را فصیح‌تر و برتر می‌داند. از آن رو که در خط مصحف الف میانه واژه نوشته نشده است، قرائت «فَرِهَانٌ» با خط مصحف نیز سازگارتر است. (همان، ۲/ ۳۷۶).

در این دو نمونه، شیخ طوسی قرائت قاریان دیگر را بر قرائت عاصم ترجیح می‌دهد.

نتیجه

شیخ طوسی در مقام مفسر و فقیه نامدار شیعه، تلاوت قرآن کریم را به قرائت‌های رایج می‌پذیرد و آن را پذیرفته‌ترین معنای احادیث نزول قرآن بر هفت حرف می‌شمرد. بر پایه شواهد و مستندات گردآوری‌شده، شیخ طوسی درباره اعتبار قرائت‌های نقل‌شده قرآن کریم چهار قاعده بیان می‌کند:

۱. هر قرائتی که با قواعد و اصول مسلم زبان عربی در شاخه‌های لغت، صرف، نحو یا بلاغت مخالفت داشته باشد، نامعتبر است.
 ۲. هر قرائت شاذّ که از قاریان مشهور نقل نشده، بلکه تنها از یکی دو قاری نامشهور حکایت شده باشد، نامعتبر است.
 ۳. هر قرائتی که به واسطه روایات معتبر، مورد نهی پیامبر اکرم و امامان معصوم قرار گرفته باشد، نامعتبر است.
 ۴. هر قرائتی که با خط مصحف مخالفت داشته باشد، نامعتبر است.
- تلاوت قرآن کریم به هر یک از این چهار گونه قرائت، ناروا است، و البته مفاد چنین قرائت‌هایی نیز قابل استدلال و استناد نیست.
- شیخ طوسی در باب ترجیح قرائت نیز چهار قاعده را مورد نظر دارد:
۱. قرائتی که با دیگر آیات قرآن سازگار بیشتری داشته باشد، رجحان دارد.
 ۲. قرائتی که با قرائت منقول از صحابه پیامبر اکرم، به ویژه صحابی دارای مصحف همانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب موافقت داشته باشد، رجحان دارد.
 ۳. قرائتی که دربرگیرنده وجوه بلاغی و ادبی باشد، رجحان دارد.
 ۴. قرائتی که دربرگیرنده واژه‌های فصیح‌تر و شاعرانه‌تر باشد، رجحان دارد.
- شیخ طوسی در وجوه اعتبار یا رجحان قرائت، برای قرائت‌های هفت‌گانه، یا به ویژه قرائت عاصم به روایت حفص، امتیازی قائل نیست؛ بلکه گاه قرائتی دیگر را بر قرائت عاصم ترجیح می‌دهد.

چهار ملاک اعتبار، و چهار ملاک ترجیح نزد شیخ طوسی می‌تواند نقشه راه مناسبی برای پژوهشگران عرصه قرآن در برگزیدن قرائت و تفسیر و فهم در موارد اختلاف قرائت باشد.

منابع

۱. ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر تونسسی، التحریر و التنویر، تونس: دارالتونسیه، ۱۹۷۴م.
۳. ابن مجاهد، احمد بن موسی تمیمی بغدادی، السبعه فی القرائات، مصر: دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۴. ابن مهران، احمد بن حسین نیشابوری، المبسوط فی القرائات العشر، دمشق: مجمع اللغه العربیه، ۱۹۸۱م.
۵. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ق.
۶. ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، شرح الشاطبیه (ابراز المعانی من حرز الامانی)، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۷. ازهری، محمد بن احمد هروی، معانی القرائات، ریاض: جامعه الملك سعود، ۱۴۱۲ق.
۸. باقلانی، محمد بن الطیب، الانتصار للقرآن، بیروت: دارالحزم، ۱۴۲۲ق.
۹. البناء، احمد بن محمد دمیاطی، إتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربعه عشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۱۰. سلطانی رنانی، محمد، مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم بر محور آثار شیخ طوسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ش.

۱۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تاویل القرآن، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
۱۲. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی الفقه، تهران: مکتبه مرتضوی، ۱۳۸۷ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۴۱۷ق.
۱۵. فراء، یحیی بن زیاد دیلمی، معانی القرآن، مصر: دارالمصریه، ۱۴۰۰ق.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد العین، قم: دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۱۷. القاضی، عبدالفتاح بن عبدالغنی، البدور الزاهره فی القرائات العشر، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۱۸. قرطبی، مکی بن ابی طالب، الابانہ عن معانی القرائات، قاهره: دار النهضه، ۱۳۷۹ق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الانمه الاطهار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۰. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، معانی القرآن، مکه: جامعه ام القرى، ۱۴۰۹ق.